

حرف شرط «اگر» در دستور زبان فارسی و معادل‌های آن در زبان عربی

سمیه کاظمی نجف‌آبادی*، سیدمحمد رضا ابن‌الرسول** و منصوره زرکوب***

چکیده

ترجمه جمله‌های شرطی به دلیل منطبق نبودن ساختار نحوی دو زبان فارسی و عربی، همواره مشکلاتی برای مترجم پدید می‌آورد. یکی از جوانب این دشواری ناشی از انطباق نداشتن ادوات شرط فارسی و عربی است؛ بدین معنی که بیشتر جمله‌های شرطی در زبان فارسی با حرف شرط «اگر» بیان می‌شود، در حالی که در زبان عربی بیش از یک واژه معادل حرف شرط «اگر» قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت معنایی جمله‌های شرطی در متون دینی و ادبی و به منظور ایجاد تعادل میان ساختار نحوی دو زبان فارسی و عربی در فرایند ترجمه، پژوهش حاضر بر آن است با بررسی و تحلیل ساختار نحوی جمله‌های شرطی زبان فارسی و عربی و تأمل در کیفیت قواعد نحوی آن، الگوهایی برای برگرداندن جمله‌های شرطی فارسی با حرف شرط «اگر» به عنوان اصلی‌ترین ادوات شرط، به زبان عربی به عنوان زبان مقصد ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: جمله شرطی، اگر، زبان فارسی، زبان عربی، ترجمه

مقدمه

ناآشنایی یا کم‌توجهی مترجم در معادل‌یابی ساختارهای نحوی زبان مبدأ و نیز کم‌توجهی به ساختارهای رایج و فصیح زبان مقصد از مشکلات ترجمه است. با اینکه بخشی از ساختارهای نحوی زبان مبدأ بر اساس اصل «تشابه ساختاری» قابل ترجمه به زبان مقصد است، باید پذیرفت که اصل بنیادین در فرایند ترجمه چیزی جز «تعادل ترجمه» نیست. بنابراین عامل اساسی ابلاغ پیام در ترجمه، ایجاد تعادل بین ساختارهای گوناگون متن مبدأ و مقصد است. توجه به این نکته می‌تواند ترجمه‌ها را تا حد زیادی به سوی علمی‌تر شدن رهنمون باشد (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸، ۲۷۰).

بر این اساس مقابله ساختارهای نحوی میان دو زبان و ارائه راهکارهای مناسب برای برگرداندن ساختارهای زبانی زبان مبدأ به زبان مقصد اهمیت بسزایی در زبان‌شناسی تطبیقی و مبحث ترجمه دارد. یکی از این ساختارهای نحوی پرکاربرد ساختار

skazemin@yahoo.com

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (مسئول مکاتبات)

ibnorrasool@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

zarkoobm@yahoo.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۶

جمله‌های شرطی است که ترجمه آن به دلیل منطبق نبودن اجزا و عناصر ساختاری آن در دو زبان فارسی و عربی همواره مشکلاتی را برای مترجم پدید می‌آورد.

یکی از جوانب این دشواری، انطباق نداشتن ادوات شرط فارسی و عربی است؛ بدین معنی که بیشتر جمله‌های شرطی در زبان فارسی با حرف شرط «اگر» بیان می‌شود، در حالی که در زبان عربی بیش از یک واژه معادل حرف شرط «اگر» قرار می‌گیرد، به عنوان مثال حرف «اگر» در دو عبارت «اگر درس بخوانی، موفق می‌شوی» و «اگر درس می‌خواندی، موفق می‌شدی» یکسان است، در صورتی که در زبان عربی «اگر» در عبارت اول معادل «إن» و در عبارت دوم معادل «لو» است.

بر این اساس، بر آن شدیم تا با مذاقه در ساختار نحوی جمله‌های شرطی زبان فارسی و عربی و تأمل در کیفیت قواعد نحوی آن، راه‌هایی برای برگرداندن ساختارهای شرطی که در زبان فارسی با حرف «اگر» به کار می‌روند، به زبان عربی به عنوان زبان مقصد ارائه کنیم تا در فرایند ترجمه تعادل ساختاری کاملی برقرار گردد.

ولی قبل از آن در زمینه پیشینه پژوهش باید به این نکته اشاره کرد که در زبان فارسی بیشتر کتاب‌های دستور زبان و برخی از معاجم به بررسی اسلوب شرط و حروف مخصوص آن، به‌ویژه حرف «اگر» پرداخته است. از مهم‌ترین آن می‌توان به کتاب *مبانی علمی دستور زبان فارسی* تألیف احمد شفایی و *دستور کامل زبان فارسی* از بهمن محتشمی اشاره کرد. همچنین مقالاتی چون *جمله‌های شرطی در زبان فارسی* از تقی وحیدیان کامیار و *اگر در گلستان از مصطفی مقربی* در این زمینه نگاشته شده است، اما در حد اطلاع نگارندگان در خصوص زمان فعل و تحقق یافتن یا نیافتن رخداد در جمله‌های شرطی زبان فارسی، و نحوه ترجمه آن در زبان عربی جز در مواردی محدود در کتب فن ترجمه، تحقیق مستقل و جامعی صورت پذیرفته است.

۱- «اگر» و جمله‌های شرطی

«اگر» اصلی‌ترین و مهم‌ترین حرف ربط شرط است. این حرف به عنوان حرف ربط پیروی یا پیوند وابستگی نقشی در پیوستن کلمات و گروه‌ها ندارد و فقط دو جمله‌واره را به هم می‌پیوندد، و در حقیقت در جمله‌ای مرکب بر سر جمله‌واره پیرو (وابسته) درمی‌آید و آن را در حکم قید برای جمله‌واره پایه (اصلی) می‌سازد.^۱

فرهنگ‌نویسان و دستورپژوهان زبان فارسی «اگر» را کلمه یا حرف شرط خوانده‌اند، از آن رو که غالباً برای رساندن مفهوم شرط به کار می‌رود. از نظر دستور زبان، ملازمه و وابستگی تحقق فعل پایه به تحقق فعل در جمله‌واره پیرو است، چنانکه در جمله مرکب شرطی «اگر کار کنی، موفق می‌شوی»، کار کردن شرط و لازمه موفق شدن دانسته شده است (مقربی، ۱۳۷۵: ۳۹ - ۴۰).

جمله‌ای را که با «اگر» یا «گر» یا «ار» (صورت‌های مخفف «اگر») آغاز می‌شود، جمله شرط یا جمله (جمله‌واره) پیرو شرطی نامیده‌اند و جمله‌ای را که جمله شرطی مذکور، وابسته بدان و در حکم قید شرط برای آن است جزای شرط، جواب شرط (یا به اختصار جواب یا جزا) یا جمله (جمله‌واره) پایه شرطی نامیده‌اند. البته در پژوهش حاضر به جای جمله شرط و جواب شرط که برگرفته از دستور زبان عربی است از اصطلاحاتی چون جمله یا جمله‌واره پیرو و پایه شرطی بهره گرفته شده است.

برخی از دستورپژوهان زبان فارسی برای شرط، دو یا سه هدف قایل شده‌اند. لازار بر این عقیده است که شرط برای بیان امر محال یا احتمال یا شرط محض (فرض ساده) است. خانلری نیز بر همین عقیده است، اما برخی چون لمبتون و الول ساتن غرض از شرط را فقط بیان مفاهیم محتمل یا غیرمحتمل می‌دانند. احمد شفایی جمله‌های شرطی فارسی را به تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر تقسیم می‌کند، و وحیدیان کامیار شرط را در سه قسم؛ محال یا فرضی، امر محتمل و شرط ساده مورد بررسی قرار می‌دهد (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۴۴ - ۴۵).

محتشمی نیز در کتاب *دستور کامل زبان فارسی* جمله‌های شرطی را در سه دسته قرار داده است، با این عناوین: «جمله شرطی که انجام‌یافته اندیشیده می‌شود»، «انجام جمله شرطی نامعلوم و احتمالی است» و «جمله شرطی قطعاً انجام‌نیافته یا انجام یافتن آن

غیرممکن است» (۱۳۷۰: ۳۳۱ - ۳۳۵). اما در این نوشتار از اصطلاحات محقق‌الوقوع، تحقق‌پذیر (امر محتمل) و تحقق‌ناپذیر (امر محال) برای تقسیم جمله‌های شرطی بهره گرفته شده است.

شایان ذکر است که برای دریافت تحقق‌پذیری یا تحقق نیافتن شرط باید متوجه خود شرط، یعنی عمل مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی بود (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۲). عمل مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی تحت تأثیر عوامل مؤثر در معنای متن قرار می‌گیرد. این عوامل به عوامل درون‌متنی (شامل واژه، نحو، سیاق)، و عوامل برون‌متنی (شامل متکلم، مخاطب، زمان و مکان) قابل تقسیم است. البته ماهیت معنایی جمله‌واره پایه و نیز فعل آن، محدودیت‌هایی را برای انتخاب جمله‌واره پیرو قایل می‌شود، حتی در تحقق یافتن یا نیافتن رخداد جمله‌واره پیرو اثر می‌گذارد (رحیمیان و سنچولی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۱ - ۱ - شرط محقق‌الوقوع

جمله شرطی محقق‌الوقوع به جمله‌های شرطی گفته می‌شود که عمل مندرج در جمله‌واره پیرو از نظر گوینده یا نویسنده عملی است که انجام شده یا حتماً انجام خواهد شد؛ به عبارت دیگر جمله‌واره پیرو درباره امری واقعی است که در تحقق آن هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. شرطی‌های محقق‌الوقوع برای زمان‌های گذشته و حال یا آینده به کار می‌رود، بنابراین آن را در دو قسم، یکی گذشته و دیگری حال یا آینده بررسی می‌کنیم:

۱ - ۱ - ۱ - زمان گذشته

اطلاق «شرط» به عمل گذشته چیزی جز تصور و تخیل نیست، اصولاً در گذشته نمی‌تواند شرطی وجود داشته باشد. در گذشته عمل انجام شده یا نشده است، و ما در حال حاضر فقط در عالم خیال و فرض می‌توانیم تصور کنیم که اگر آن عمل انجام می‌شد (یا نمی‌شد)، چه نتیجه یا نتایجی بر آن مترتب بود. حال آنکه شرطی که بر تحقق امری در زمان حال یا آینده دلالت دارد، شرط حقیقی است (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۲ - ۵۴۳).

اگر جمله شرطی انجام‌شده تصور شود، فعل جمله‌واره پایه و پیرو معمولاً ماضی استمراری است، این امر برای دلالت بر عملی مشروط است که امکان انجام آن در گذشته به طور عادت و با استمرار وجود داشته است، مانند: «آن روزها اگر دوستان مرا دعوت می‌کردند، به خانه آنها می‌رفتم»، و «آن روزها اگر هوا خوب می‌شد، گردش می‌کردیم». «اگر» در این جمله‌ها معنی نزدیک به «وقتی‌که»، «هنگامی‌که» و «هرگاه» می‌دهد به طوری که می‌توان این کلمه‌ها را جایگزین «اگر» کرد، و جمله مرکب وابسته با جمله‌واره پیرو زمانی را به دست آورد: «آن روزها (وقتی‌که/ هنگامی‌که/ هرگاه) دوستان مرا دعوت می‌کردند، به خانه آنها می‌رفتم»، و «آن روزها (وقتی‌که/ هنگامی‌که/ هر گاه) هوا خوب می‌شد، گردش می‌کردیم» (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۲).

شایان ذکر است که وقتی شرطی مطرح می‌شود غالباً مسئله زمان آن شرط نیز به میان می‌آید، زیرا شرط با زمان رابطه نزدیک دارد (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۶). البته گاهی به‌ویژه در شرطی‌های محقق‌الوقوع، مناسبات شرطی (رابطه شرط و جزا) به حساب مناسبات زمانی تضعیف می‌گردد همانند آنچه در نمونه‌های فوق آورده شد.

همچنین در عبارت «اگر هوا بد بود، در یک کافه درس‌های خود را از برمی‌کرد» (صادق هدایت، نقل از شفائی، ۱۳۶۳: ۵۴۴)، فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است و بر شرط محقق‌الوقوع در زمان گذشته دلالت دارد. مناسبات زمانی در این عبارت نیز به طور نسبتاً بارز احساس می‌شود. ذکر این نکته لازم است که در مورد فعل «بودن» و «داشتن» معمولاً ماضی استمراری و ماضی بعید به کار نمی‌رود و به جای آن همان ماضی مطلق (ساده) به کار می‌رود (انوری - گیوی، ۱۳۷۰: ۲/ ۴۸، محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۷).

باید توجه داشت که همین ترکیب برای بیان جمله‌های شرطی تحقق‌ناپذیر و محال نیز به کار می‌رود و فقط از روی بافت یا لحن سخن و قرائن و سوابق می‌توان به تفاوت این دو نوع جمله پی برد، مثلاً در عبارت «اگر عاقل بود، به پند پدرش اهمیت می‌داد»، فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است، ولی عبارت بر تحقق نیافتن شرط دلالت دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان شرطی‌های محقق‌الوقوع در زمان گذشته را به گونه زیر بیان کرد:

مثال	فعل پایه	مثال	فعل پیرو
گردش می‌کردیم»	ماضی استمراری	«آن روزها اگر هوا خوب می‌شد،	ماضی استمراری

«اگر» در این نوع از جمله‌های شرطی با دو حرف «کَلَمًا» و «إِذَا» برابری می‌شود:

۱ - «کَلَمًا»: حرف شرط «اگر» در این نوع شرط دربردارنده مفهوم ظرفیت است و بر تکرار رخداد در زمان گذشته دلالت دارد، به همین دلیل در زبان عربی با «کَلَمًا» بیان می‌شود، مانند: ﴿كَلَمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ (آل عمران ۳: ۳۷)؛ (زکریا هر بار [هر گاه] که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او غذایی می‌یافت). ترجمه آیه شریف به وضوح نشان می‌دهد که «کَلَمًا» در زبان فارسی با دو واژه «هر بار» - که نشانگر تکرار است - یا «هر گاه» - که بیانگر ظرفیت است - برابری می‌شود ولی در زبان فارسی اگر حرف شرط «اگر» همزمان دو مفهوم ظرفیت و تکرار رخداد را دربرداشته باشد در عربی معادل «کَلَمًا» خواهد بود. بر این اساس، جمله «اگر هوا بد بود، در یک کافه درس‌های خود را از برمی‌کرد» در زبان عربی چنین است: «كَلَمًا كَانَ الطَّقْسُ سَيِّئًا، قَامَ بِحِفْظِ الدَّرُوسِ فِي مَقْهَى».

۲ - «إِذَا»: «إِذَا» که در قسمت بعدی به طور مفصل بررسی می‌شود ظرف زمان مستقبل است که غالباً متضمن معنی شرط است. این حرف بر تحقق رویداد در زمان آینده دلالت دارد، ولی در مواردی خبر از تحقق و استمرار آن در زمان گذشته می‌دهد، مانند: ﴿إِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتِ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا﴾ (مریم ۱۹: ۵۸)؛ (هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند).

همچنین اگر جواب شرط ترکیبی از («کان» + فعل مضارع) باشد و فعل ناقص بر «إِذَا» مقدم شود، در زبان فارسی معادل ماضی استمراری قرار می‌گیرد، مانند: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (صافات ۳۷: ۳۵)؛ (آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد: «خدایی جز خدای یگانه نیست»، تکبر می‌ورزیدند) (فولادوند)، البته ممکن است ترکیب («کان» + فعل مضارع) بر «إِذَا» مقدم شود، مانند: «كان الشيوخ يبتسمون في حنان ورضا إذا سمعوا أحاديث الشباب بذلك»؛ «پیرمردان وقتی سخنان جوانان را در این مورد می‌شنیدند با مهربانی و رضایت لبخند می‌زدند» (طه حسین، نقل از زرکوب، ۱۳۷۸، ۱۵۴).

بنابراین می‌توان در زبان عربی عبارت: «در آن روزها اگر هوا بد بود، در یک کافه درس‌های خود را از برمی‌کرد» را این گونه بیان کرد: «في تلك الأيام إذا كان الطقس سيئا، قام بحفظ الدروس في مقهى» یا «كان إذا ساء الطقس يقوم بحفظ الدروس في مقهى».

۱ - ۲ - زمان حال یا آینده

در جمله شرطی که بر تحقق حتمی رخداد در زمان حال یا آینده دلالت دارد، زمان فعل پایه و پیرو مربوط به حال یا آینده است. در این صورت، فعل جمله‌واره پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی یا مضارع اخباری، و فعل جمله‌واره پایه زمانی مناسب پیرو (مضارع اخباری، مستقبل، امر و یا مضارع التزامی) است، مانند:

مثال	فعل پایه	مثال	فعل پیرو
دندان خود را مسواک کن».	امر	«اگر از خواب برخاستی،	ماضی مطلق
گل‌ها شکفته می‌شوند».	مضارع اخباری	«اگر بهار از راه رسد،	مضارع التزامی
چرا رنج و محنت همی بهر ماست؟ (فردوسی، نقل از شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۳)	مضارع اخباری	اگر هفت کشور به شاهی تو راست	مضارع اخباری

در نمونه‌های فوق حقیقت مندرج در جمله‌واره پیرو شرطی مانند «آمدن بهار» و «بلند شدن از خواب» بدون شک تحقق خواهد یافت، یا همچون نمونه اخیر در زمان خطاب موجود بوده است. البته گاهی دریافت تحقق یافتن یا نیافتن شرط بستگی به مخاطب و حال وی هنگام القای کلام دارد، مانند:

دعا کن به شب چون گدایان به سوز اگر می‌کنی پادشاهی به روز
(سعدی، ۱۳۶۹: ۴۱)

در این بیت ممکن است مخاطب واقعا پادشاه باشد که در این صورت شرط محقق‌الوقوع است. «اگر» در این نوع از جمله‌های شرطی نیز معنی نزدیک به «وقتی‌که»، «هنگامی‌که» و «هر گاه» دارد و در زبان عربی با دو حرف شرط «إذا» و «إن» برابری می‌شود.

۱- «إذا» ظرف زمان مستقبل است که غالباً متضمن معنی شرط است. تفاوت حرف «إذا» با «إن» در این است که «إذا» برخلاف «إن»، بر تحقق وقوع رخداد در زمان آینده دلالت دارد. اشکال مختلف فعل شرط و جواب آن بعد از «إذا» به شرح زیر است:

فعل شرط	مثال	فعل جواب شرط	مثال
مضارع	﴿وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ﴾	مضارع	يَخْرُونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿﴾ (اسراء ۱۷: ۱۰۷)؛ (هر گاه [این کتاب] بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان به روی درافتند).
ماضی	﴿وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً﴾	ماضی	﴿فَرِحُوا بِهَا﴾ (روم ۳۰: ۳۶)؛ (و هر گاه مردم را رحمتی بچشانیم، بدان شاد می‌گردند).
ماضی	﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ﴾	مضارع	تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ﴿﴾ (المنافقون ۶۳: ۴)؛ (و هر گاه آنان را ببینی، هیكل‌هایشان تو را به تعجب وامی‌دارد).
مضارع	﴿وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا﴾	ماضی	﴿قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا﴾ (انفال ۸: ۳۱)؛ (و هر گاه آیات ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: به‌خوبی شنیدیم)

جز موارد مذکور جواب شرط می‌تواند جمله اسمیه، فعل طلبی (امر، نهی، دعا)، ماضی منفی به «ما» یا «لن»، فعل جامد (نعم و بس)، و فعل مقرون به «قد»، «سین» یا «سوف» باشد که در این صورت باید حرف «فاء» بر جواب شرط وارد شود.

اگر فعل شرط ماضی باشد، در زبان فارسی از نظر ساختاری معادل ماضی مطلق است، و اگر مضارع باشد، در فارسی با مضارع التزامی یا مضارع اخباری برابری می‌شود. البته فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی و گاهی مضارع اخباری به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ بدین معنی که هر یک از این افعال می‌تواند در جمله شرطی عربی معادل فعل ماضی و مضارع قرار گیرد.

شایان ذکر است «اگر» با رعایت دو شرط با «إذا» برابری می‌شود: ۱- جمله‌واره پیرو شرطی بر تحقق حتمی رخداد در زمان حال یا آینده دلالت داشته باشد. ۲- «اگر» به معنی «وقتی‌که»، «هنگامی‌که»، «هر گاه» و معادل‌های آن باشد. البته «إذا» هم در زبان فارسی می‌تواند معادل دو حرف «اگر» و «هر گاه» (و معادل‌های آن) واقع شود، ولی بهتر است در ترجمه، «إذا» را معادل «هر گاه» دانست نه «اگر»، زیرا با کاربرد حرف «اگر» در مواردی جمله‌واره پیرو شرطی بر تحقق حتمی رخداد دلالت نخواهد داشت. بدین ترتیب، بخشی از دلالت معنایی حرف شرط «إذا» به زبان مقصد (فارسی) منتقل نمی‌شود. البته رعایت این نکته فقط در ترجمه قرآن کریم توصیه می‌شود، ولی در متون قدیم و معاصر زبان عربی دلالت «إذا» بر تحقق رخداد محصور نمی‌شود و در بسیاری از موارد باید آن را معادل «اگر» برشمرد.

۲- «إن» بر احتمال وقوع رخداد در زمان آینده دلالت دارد، ولی بر اساس آنچه در مختصرالمعانی آمده است، گاهی «إن» به دلایل بلاغی حاکی از تحقق شرط است؛ یکی از این دلایل بلاغی آن است که مخاطب آگاه به تحقق شرط را به منزله شخص ناآگاه به

حساب آوریم، مانند مخاطب قرار دادن کسی که پدرش را آزار می‌دهد: «إن كان أباك فلا تؤذ»؛ (اگر او پدر توست، آزارش نده) (تفتازانی، ۱۳۸۳: ۹۲). البته به نظر می‌رسد «إن» بر تحقق یافتن و نیافتن شرط دلالت دارد و نباید آن را به احتمال و فرض وقوع شرط در آینده محدود کرد، بلکه باید گفته شود حرف شرط «إن» غالباً حاکی از احتمال و فرض تحقق شرط است ولی بیانگر تحقق آن نیز می‌تواند باشد. با توجه به آنچه ذکر شد، مصراع اول بیت فوق در زبان عربی این گونه ترجمه می‌شود: «إن كنت ملكا على الأقاليم السبعة».

۱ - ۲ - شرط تحقق پذیر

در شرط تحقق پذیر عمل مندرج در جمله‌واره پیرو از نظر گوینده یا نویسنده عملی تحقق پذیر است، یعنی احتمال تحقق یافتن و نیافتن آن وجود دارد. شرط تحقق پذیر برای زمان‌های گذشته و حال یا آینده به کار می‌رود، بنابراین آن را در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

۱ - ۲ - ۱ - زمان گذشته

شرط تحقق پذیر اگر بر احتمال و فرض وقوع فعل در زمان گذشته دلالت کند، فعل پیرو آن ماضی التزامی یا ماضی نقلی، و فعل پایه آن معمولاً به صیغه ماضی نقلی به کار می‌رود، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی نقلی	«اگر آن کار را تو کرده‌ای،»	ماضی نقلی	خیلی بد کرده‌ای».
ماضی التزامی	«اگر به پاریس رفته باشی،»	ماضی نقلی	برج ایفل را دیده‌ای».

در مثال دوم، بدون شک گوینده یا نویسنده از انجام شدن یا نشدن جمله پیرو شرطی آگاهی ندارد، به دلیل آنکه وجه التزامی (ماضی التزامی و مضارع التزامی)، همیشه دارای ارزش احتمال است (لازار، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

گاهی در جمله‌های پایه کلمه «باید» و «شاید» به کار می‌رود، در این صورت فعل ماضی نقلی در جمله‌واره پایه به ماضی التزامی تبدیل می‌شود، مانند: «اگر به پاریس رفته‌ای، باید برج ایفل را دیده باشی»، و «اگر به پاریس رفته باشی، باید برج ایفل را دیده باشی». بنابراین در جمله‌واره پایه زمان مرکبی که از «صفت مفعولی + فعل مضارع و معین: باشم، باشی، باشد ...» تشکیل شده، معادل ماضی نقلی (صفت مفعولی + ام، ای، است ...) است.

اصولاً درباره تمام افعال باید گفته شود که اگر قیدی مخصوص بگیرند، معنی آنها عوض می‌شود. و کلماتی از قبیل «کاش» و «شاید» و «باید» باعث می‌شود که افعال معنی التزامی پیدا کنند (شریعت، ۱۳۷۵: ۱۴۷)؛ چراکه این کلمات از نشانه‌های وجه التزامی است (فرشیدورد، دستور مختصر/امروز، ۲۴۵).

در مثال‌های فوق، گرچه فعل جمله‌واره پایه از نظر معنی معادل ماضی نقلی است، از آن‌جا که ساخت ظاهری فعل پایه، ماضی التزامی است، بر یک مفهوم احتمال دلالت دارد و از این نظر با فعل ماضی نقلی که بیانگر مفهوم قطعیت است، تفاوت ظریفی دارد.

حرف «اگر» در این جمله‌های شرطی با «إن» برابری می‌شود. این حرف در زبان عربی نشانگر احتمال وقوع رخداد در زمان آینده است. در این قسم از جمله‌های شرطی فعل شرط بعد از «إن»، ترکیبی از «(کان» + فعل ماضی)، و جواب شرط فعل ماضی مسبوق به «قد» است، مانند: ﴿إِنْ كُنْتَ قُلْتُمْ فَقَدْ عَلِمْتُمْ﴾ (مائده ۵: ۱۱۶).

ترکیب «(قد» + فعل ماضی) در زبان فارسی معادل ماضی نقلی است. البته گاهی «قد» از فعل ماضی حذف می‌شود، ولی فعل باز هم در معنی ماضی نقلی است، مانند: ﴿وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ ذُبُرٍ فَكَذَّبَتْ﴾ (یوسف ۱۲: ۲۷).

از نظر نحویان فعل شرط بعد از «إن» هرچند در لفظ ماضی باشد، ولی معنی آینده را می‌رساند (سامرائی، ۲۰۰۷م: ۴/ ۴۷). بر این اساس، کوشیده‌اند تا ترکیب فوق را که بر زمان گذشته دلالت دارد، توجیه و تفسیر کنند، ولی بدیهی است که کاربرد لفظ «کان» به همراه فعل ماضی در قسمت اول آیات فوق، حاکی از احتمال وقوع رخداد در زمان گذشته است؛ بدین معنی که حرف «إن» بر فعلی که لفظ و معنی آن ماضی است، وارد شده است؛ زیرا آیه اول سخن حضرت عیسی (ع) است که بعد از صعود به آسمان فرموده است یا حکایت کلامی است که روز قیامت بر زبان جاری می‌سازد و در هر دو صورت شرط و جزا به زمان گذشته تعلق دارد (همان: ۴/ ۵۴ - ۵۵). آیه دوم نیز در مورد داستان حضرت یوسف (ع) است. بنابر آنچه گفته شد دو آیه فوق در زبان فارسی به گونه‌های زیر ترجمه می‌شود:

الف - اگر آن را گفته باشم، قطعاً آن را دانسته‌ای.

ب - اگر آن را گفته‌ام، قطعاً آن را دانسته‌ای.

ج - اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، آن زن دروغ گفته است.

د - اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده است، آن زن دروغ گفته است.

۱- ۲- ۲- زمان حال یا آینده

اگر جمله شرطی حاکی از ابهام در تحقق رخداد در زمان حال یا آینده باشد، در دو قسمت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

الف) جمله‌واره پیرو و پایه مربوط به حال یا آینده

اگر پیرو در زمان آینده واقع شود پایه نیز که معمولاً مترتب بر آن است، طبیعتاً مربوط به زمان آینده است، چون وقوع آن مشروط به جمله‌واره پیرو است. در این صورت، فعل پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی یا مضارع اخباری خواهد بود. فعل پایه نیز بسته به معنی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مستقبل، امر، ماضی نقلی یا ماضی مطلق است، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی مطلق	«اگر به شیراز رفتیم،	مضارع اخباری	از تخت جمشید دیدن می‌کنیم».
	اگر شکر کردی برین ملک و مال	مضارع التزامی	به مالی و ملکی رسی بی‌زوال (سعدی، نقل از ابوالقاسمی، ۱۳۷۵، ۴۰۱)
	«اگر به شیراز رفتیم،	مستقبل	از تخت جمشید دیدن خواهیم کرد».
	«اگر به نیشابور رفتی،	امر	آرامگاه خیام را زیارت کن».
	«اگر در این درگیری کوتاه آمد،	ماضی نقلی	دیگر قافیه را باخته است».
«اگر زود پیغام را رساندی،	ماضی مطلق	مژدگانی را گرفتی».	
مضارع التزامی	«اگر مرده‌ای کفن به دندان بگیری،	مضارع اخباری	بین زندگان مرگ و میر می‌افتد» (هدایت، نقل از وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۵۳).
	به لطف اگر بخرامد به قهر اگر بستیزد	مضارع التزامی	هزار دل ببرد هزار تن بکشد (سعدی، ۱۳۷۳: ۵۰۳)
	«اگر به موزه بروی،	مستقبل	آثار باستانی را خواهی دید».
	«گرت از دست برآید،	امر	دهنی شیرین کن» (سعدی، نقل از خانلری، ۱۳۷۰: ۲۶۹).
	«اگر در هر مدرسه بسته بشود،	ماضی نقلی	در یک اداره بسته شده است» (آل احمد، نقل از وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۵۳).

من هم بیایم».	مضارع التزامی	«اگر می‌آیی،	مضارع اخباری
نه با من که با نفس خود می‌کند (سعدی، نقل از خطیب رهبر، ۱۳۶۷: ۱۰۸)	مضارع اخباری	بگفتا گر این مرد بد می‌کند	
بی‌شک قبول خواهد شد».	مستقبل	«اگر خوب درس می‌خواند،	
طاعت استاد ببر (حافظ، ۱۳۷۱: ۱۵۷)	امر	مزد اگر می‌طلبی	

فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی در جمله‌واره‌های پیرو شرطی بر زمان آینده دلالت دارد. بین این دو فعل مرز واضحی نیست و معمولاً می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند. با وجود این، می‌توان گفت معمولاً با مضارع التزامی درجه ابهام و عدم اطمینان بیشتر است؛ زیرا برخلاف وجه اخباری که عمل واقعی را می‌رساند، وجه التزامی در مواردی به کار می‌رود که تحقق عمل، قطعی در نظر گرفته نمی‌شود. این وجه در بیان آرزو، امکان، اجبار، شک، تردید، شرط و مانند آن به کار می‌رود (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

بنابراین، با فعل ماضی مطلق درجه تحقق‌پذیری شرط قدری شدیدتر تصور می‌شود و گوینده یا نویسنده می‌داند که فعل انجام خواهد شد یا از چگونگی آن آگاه شده است، ولی با مضارع التزامی وقوع یافتن یا نیافتن فعل و در صورت وقوع، زمان آن مبهم است؛ مثلاً بین دو عبارت: «اگر درس خواندی، موفق خواهی شد» و «اگر درس بخوانی، موفق خواهی شد» شباهت زیادی وجود دارد، با وجود این در عبارت اول که فعل پیرو ماضی مطلق است، گوینده یا نویسنده به وقوع فعل پیرو (درس خواندن) اطمینان بیشتری دارد (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۳، محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۱۱).

شایان ذکر است که در بیان قوانین طبیعی و علمی (فیزیک، شیمی، ریاضیات ...) یا در بیان قوانین اجتماع معمولاً فعل پیرو مضارع التزامی است، مانند: «اگر درجه حرارت آب به صفر برسد، آب شروع به یخ بستن می‌کند» و «اگر عدد ۵ را در ۳ ضرب کنیم، عدد ۱۵ حاصل می‌شود» (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۶).

کاربرد فعل ماضی مطلق در پایه نیز برای تأکید بر انجام فعل است، مانند: «اگر زود پیغام را رساندی، مزدگانی را گرفتی»؛ یعنی: «اگر زود پیغام را رساندی، مزدگانی را می‌گیری (/ خواهی گرفت)» و «اگر حرفی خلاف رأی او زدی، باختی»؛ یعنی: «اگر حرفی خلاف رأی او زدی، می‌بازی (/ خواهی باخت)». فعل ماضی در این عبارات زمان حال یا آینده را می‌رساند که در معنی آن قطعیت وجود دارد و برخی آن را «مستقبل محقق‌الوقوع» می‌نامند؛ یعنی آینده‌ای که حتماً اتفاق خواهد افتاد (شریعت، ۱۳۷۵: ۱۴۷).

در قدیم کاربرد ماضی مطلق به جای مضارع در جمله‌واره پایه معمول بوده است، مانند: «اگر رفتی بردی، اگر خفتی مردی» (سعدی، نقل از قریب و دیگران، ۱۳۶۶: ۱۶۲)، که در اصل چنین بوده است: «اگر رفتی می‌بری (/ خواهی برد)، اگر خفتی می‌میری (/ خواهی مرد)»، و برای نشان دادن تأکید و قطعیت، فعل پایه در صیغه ماضی مطلق به کار رفته و جانشین زمان حال یا آینده شده است.

در شرطی تحقق‌پذیر فعل پایه و پیرو با شرایطی خاص به صورت‌های زیر نیز به کار می‌رود:

الف - گاهی فعل ماضی التزامی در جمله‌واره پیرو معنی آینده می‌دهد، و آن در صورتی است که در جمله‌واره پیرو قید زمان آینده به کار رود و یا جمله با تکیه بر بافت کلام و قراین موجود در آن بر زمان آینده دلالت کند (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۳ - ۳۳۴).

این روش برای تأکید بر کامل شدن عملی پیش از زمان معین به کار می‌رود؛ یعنی تا قبل از شروع فعل پایه در زمان آینده، فعل پیرو کامل و تمام شده است، مانند: «اگر (تا فردا) کارم تمام شده باشد، به گردش خواهیم رفت». در این عبارت، قید زمان «تا فردا» - که در جمله ظاهر می‌شود یا در کلام مقدر است - زمان واقعی فعل پیرو را تعیین می‌کند. بنابراین، عبارت فوق به این معنی است: «اگر (تا فردا) کارم تمام شود، به گردش خواهیم رفت».

ب - گاهی در جمله شرطی برای تأکید بر کامل شدن کار در آینده پیش از تاریخ معین، فعل ماضی بعید به کار می‌رود به شرطی که فعل پایه مضارع اخباری، مستقبل یا امر باشد و در جمله‌واره پیرو قید زمان آینده به کار رفته باشد. فعل ماضی بعید در این حالت اختلاف قابل توجهی با ماضی التزامی نخواهد داشت، مانند: «اگر تا فردا کار تمام شده بود، جشن خواهیم گرفت» و «اگر تا فردا کار را تمام کرده بودی، به تو جایزه می‌دهم» و «اگر فردا کتاب‌ها را آورده بود، تحویل بگیر» (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۴).

ج - در جمله‌های شرطی، ماضی استمراری نیز مانند ماضی مطلق بر زمان آینده دلالت می‌کند، به شرطی که فعل پیرو به طور مستمر در حال انجام باشد و قید زمان مناسبی نیز در کلام باشد، مانند: «اگر الآن می‌نشستی، کتاب می‌خواندیم»؛ یعنی: «اگر الآن بنشین، کتاب می‌خوانیم (/ خواهیم خواند)» و «اگر فردا می‌آمدی، خوشحال می‌شدم»؛ یعنی: «اگر فردا بیایی، خوشحال می‌شوم (/ خواهم شد)».

د - اگر ماضی نقلی با قیدی مربوط به زمان آینده به کار رود، معنی آینده کامل را می‌دهد، مانند: «اگر فردا این موقع نامه را نوشته‌ای به من خبر بده» (شریعت، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

ه - گاهی فعل پیرو مستقبل است، مانند: «اگر ایشان خواهند آمد، شما تشریف نیاورید» و «اگر او خواهد آمد، من می‌مانم تا او را ببینم» و «اگر حرف شما را خواهد پذیرفت، ما مخالفت می‌کنیم». در این عبارات، فعل مستقبل به معنی مضارع اخباری است و در جمله‌واره پیرو احتمال یا فرض وقوع فعل وجود دارد و نیز مانند بیت ذیل:

گر قدم بر چشم من خواهی نهاد
دیده بر ره می‌نهم تا می‌روی
(سعدی، نقل از ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۴۰۸)

در این بیت، فعل پیرو (خواهی نهاد) را می‌توان با مضارع اخباری (می‌نهی)، ماضی مطلق (نهادی) یا مضارع التزامی (بنهی) جایگزین کرد.

در زبان عربی شرطی که بر احتمال تحقق رخداد در زمان حال یا آینده دلالت دارد، با حرف شرط «إن» بیان می‌شود. اشکال مختلف فعل شرط و جواب آن بعد از حرف «إن» به شرح ذیل است:

فعل شرط	مثال	فعل جواب شرط	مثال
مضارع	﴿وَإِنْ تَعُوذُوا﴾	مضارع	﴿نَعُدُّ﴾ (انفال ۸: ۱۹)؛ (اگر باز می‌گردید، ما نیز باز می‌گردیم).
ماضی	﴿وَإِنْ عُدْتُمْ﴾	ماضی	﴿عُدْتُمْ﴾ (اسراء ۱۷: ۸)؛ (اگر باز گشتید، ما نیز باز می‌گردیم).
ماضی	﴿إِنْ أَكْرَمْتَنَا﴾	مضارع	﴿نُكْرِمُكُمْ﴾؛ (اگر ما را گرامی داشتی، با احترام با تو رفتار می‌کنیم).

و گاهی فعل شرط مضارع و جواب شرط ماضی است، ولی این مورد بسیار کم کاربرد و محل اختلاف نحویان است. قوی‌ترین گونه جمله‌های شرطی در زبان عربی موردی است که فعل شرط و جواب شرط از یک جنس باشند؛ یعنی هر دو مضارع یا ماضی باشند (کریری، ۲۰۰۴م: ۱۸۲). فعل مضارع بعد از حرف «إن» مجزوم و فعل ماضی در محل جزم است. و همانگونه که پیشتر بیان شد جواب شرط می‌تواند جمله اسمیه، فعل طلبی (امر، نهی، دعا)، ماضی منفی به «ما» یا «لن»، فعل جامد (نعم و بئس) و فعل مقرون به «قد»، «سین» یا «سوف» باشد در این صورت باید حرف «فاء» بر جواب شرط وارد شود. فعل ماضی در شرط بر زمان آینده دلالت دارد، این مسئله فقط مختص زبان عربی نیست، بلکه در بسیاری از زبان‌های سامی مانند: اکدی، عبری، حبشی فعل ماضی در جمله شرط، و فعلی که حاکی از زمان حال یا آینده است، در جواب شرط به کار می‌رود. جز اینکه در زبان عربی ماضی و مضارع هر دو در جمله شرط و جواب شرط به کار می‌رود (برجستراسر، ۱۹۹۴م: ۱۹۸). زبان فارسی نیز که از زبان‌های هند و اروپایی است از این نظر با زبان عربی شباهت دارد.

اگر فعل شرط ماضی باشد (شکل دوم و سوم)، از نظر ساختاری در زبان فارسی معادل ماضی مطلق قرار می‌گیرد، و اگر مضارع باشد (شکل اول و چهارم)، معادل مضارع التزامی و گاهی مضارع اخباری است. گرچه می‌توان در جمله‌واره پیرو فارسی دو فعل ماضی مطلق و مضارع التزامی را به جای یکدیگر به کار برد، و هر دو فعل می‌تواند در جمله شرطی عربی معادل فعل ماضی و مضارع باشد، به عنوان مثال جمله «إِنْ أَسْلَمَ...» و «إِنْ يُسَلِّمَ...» به دو صورت «اگر اسلام آورد» و «اگر اسلام آورد» ترجمه می‌شود، ولی شایسته است در برابریابی تا زمانی که انتقال معنی مورد نظر امکان دارد، به ساخت ظاهری فعل در زبان مبدأ و مقصد نیز توجه شود.

در این نوع از جملات شرطی فعل شرط بعد از حرف «إِنْ» می‌تواند به دو گونه زیر نیز باشد:

۱ - (ماضی «کان» + فعل مضارع): این ترکیب در زبان عربی معادل ماضی استمراری فارسی است، ولی در اسلوب شرط معادل مضارع التزامی و مضارع اخباری قرار می‌گیرد، مانند: ﴿إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ﴾ (هود ۱۱: ۳۴)؛ (اگر خداوند بخواهد شما را بیراه گذارد) و ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرَبِّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّ﴾ (احزاب ۳۳: ۲۸)؛ (اگر زندگی دنیا و تجمل آن را می‌خواهید، بیایید تا بهره‌مندتان سازم).

۲ - (مضارع «کان» + فعل مضارع): این ترکیب نیز در جمله‌های شرطی معادل مضارع التزامی و اخباری است، مانند: ﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ﴾ (نساء ۴: ۱۰۴)؛ (اگر شما رنج می‌برید، آنان نیز چون شما رنج می‌برند)، و نیز مانند بیت زیر:

إِنْ تَكُنْ تَشْكُو لِأَوْجَاعِ الْهَوَىٰ فَأَنَا أَشْفِيكَ مِنْ هَذَا الْوَجَعِ

(عنتره بن شداد، ۱۸۹۳م: ۵۰)

(اگر از درد عشق در رنج و عذاب هستی و شکوه می‌کنی، من تو را از این درد و رنج نجات می‌دهم).

در زبان عربی، جواب شرط چه ماضی باشد و چه مضارع، معادل فعل مضارع اخباری یا مستقبل است. حتی در مواردی که فعل پایه در زبان فارسی ماضی مطلق یا ماضی نقلی باشد، در زبان عربی با فعل ماضی یا مضارع برابریابی می‌شود؛ زیرا در این موارد فعل ماضی مطلق و ماضی نقلی در جمله‌واره پایه به معنی مضارع اخباری یا مستقبل است. البته این مسئله یک قاعده کلی نیست؛ زیرا گاهی با توجه به سیاق کلام، ماضی نقلی در جواب شرط با ترکیب «(یکون» + قد + فعل ماضی) برابریابی می‌شود، مانند: «اگر درست جواب بدهی، جایزه را گرفته‌ای»، که می‌توان آن را اینگونه ترجمه کرد: «إِنْ أَصَبْتَ فِي إِجَابَتِكَ تَكُونُ قَدْ أَخَذْتَ الْمَكَافَأَةَ».

چنانکه پیشتر ذکر شد، در این قسم از شرطی‌های تحقق‌پذیر فعل پیرو اگر ماضی التزامی، ماضی بعید، ماضی استمراری و ماضی نقلی باشد، به معنی مضارع التزامی است، در این صورت در زبان عربی معادل فعل ماضی یا مضارع همراه با قیدی مربوط به زمان آینده است، همانند نمونه‌های زیر:

- «اگر تا فردا کار را تمام کرده باشی (تمام کنی)، به تو جایزه خواهم داد»: «إِنْ انْتَهَيْتَ مِنَ الْعَمَلِ غَدًا كَأَفْتَكِ (/ فَسَأُكَافِئُكَ)».

- «اگر (امروز) تا عصر کار را تمام کرده بودی (تمام کنی)، به تو جایزه خواهم داد»: «إِنْ انْتَهَيْتَ مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى الْمَسَاءِ كَأَفْتَكِ (/ فَسَأُكَافِئُكَ)».

- «اگر تا فردا کار را تمام می‌کردی (تمام کنی)، به تو جایزه می‌دادم (می‌دهم)»: «إِنْ انْتَهَيْتَ مِنَ الْعَمَلِ غَدًا كَأَفْتَكِ».

شایان ذکر است که افعال و تراکیب پیشنهادی در ترجمه ثمره بررسی نمونه‌های بسیاری از متون نظم و نثر عربی است و بدیهی است که بافت سخن نقش بسزایی در تعیین زمان و صیغه فعل دارد و با توجه به سیاق جمله و کلام می‌توان معادل‌های دیگری برای موارد مذکور در نظر گرفت.

(ب) جمله‌واره پیرو مربوط به گذشته و پایه مربوط به حال یا آینده

در این جمله‌ها فعل پیرو ماضی التزامی، ماضی نقلی و ماضی بعید، و فعل پایه مضارع اخباری، ماضی نقلی، مستقبل یا امر است، مانند:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی التزامی	«اگر راستش را گفته باشی،	مضارع اخباری	من سر قولم می‌ایستم».
	«اگر (دیروز) کار خود را خوب انجام داده باشی،	مستقبل	جایزه خواهی گرفت».
	«اگر درست جواب داده باشی،	ماضی نقلی	جایزه را گرفته‌ای».
ماضی نقلی	«اگر کار خود را خوب یاد گرفته‌ای،	مضارع اخباری	موفق می‌شوی».
	«اگر در امتحانات موفق شده است،	مستقبل	به او جایزه خواهم داد».
	«اگر روزنامه را خوانده‌ای،	امر	بده تا من هم بخوانم».
ماضی بعید	«اگر نامه را نوشته بود،	مضارع اخباری	فوراً آن را برایت می‌فرستم».
	«اگر نامه را نوشته بود،	مستقبل	فوراً آن را برایت خواهم فرستاد».
	«اگر نامه را نوشته بود،	امر	فوراً آن را به دست من برسان».

سیاق سخن یا کاربرد قید زمان گذشته - همانند قید «دیروز» در نمونه دوم - نشان می‌دهد که فعل ماضی التزامی در جمله‌واره پیرو این قسم از جمله‌های شرطی، بر زمان گذشته دلالت دارد.

در بیان فرق بین ماضی نقلی و ماضی مطلق در دو عبارت «اگر مهمانان آمده‌اند، شما بروید» و «اگر مهمانان آمدند، شما بروید» در حوزه معنایی باید به این نکته اشاره کرد که احتمال تحقق فعل جمله‌واره پیرو (آمدن) در عبارت اول بیش از عبارت دوم است، به گونه‌ای که فعل «آمدن» در عبارت اول با قطعیت بیشتری به انجام می‌رسد.

«اگر» در این گونه از جمله‌های شرطی معادل حرف «إن» است که در زبان عربی بر احتمال وقوع فعل دلالت دارد. در این صورت فعل شرط بعد از حرف «إن» بر دو گونه ذیل است:

۱ - «(کان» + فعل ماضی) یا «(کان» + «قد» + فعل ماضی): این ترکیب در زبان فارسی معادل ماضی بعید است، اما در این نوع شرط معادل ماضی التزامی، ماضی بعید و ماضی نقلی زبان فارسی قرار می‌گیرد. فعل جواب شرط نیز باید زمان آینده را برساند، مانند: «إن كنت الممتد بذنب، فاستغفری الله» (سامرائی، ۲۰۰۷م: ۴: ۵۵). با توجه به آنچه ذکر شد حدیث شریف در زبان فارسی برابر با این عبارت است: «اگر گناهی کرده‌ای، از خدا آمرزش بخواه».

همچنین ترجمه دو آیه شریف: ﴿إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا﴾ (اعراف ۷: ۱۰۶) و ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا﴾ (یونس ۱: ۸۴)، چنین است: «اگر معجزه‌ای آورده‌ای آن را عرضه کن» و «و موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید، بر او توکل کنید».

۲ - (مضارع «کان» + قد + فعل ماضی): ماضی التزامی که در فارسی از صفت مفعولی و مضارع التزامی «باشیدن» ساخته می‌شود، در عربی با (مضارع «کان» + قد + فعل ماضی) بیان می‌شود (زرکوب، ۱۳۷۸: ۱۲۳)، ولی چنین ترکیبی در اسلوب شرط معادل ماضی التزامی و گاهی ماضی نقلی قرار می‌گیرد، مانند: «فإن يكنُ أمرُ لنا بخيرٍ مضينا فيه وإن يكنُ قد أمرَ فينا بغير ذلك لم نهلك

أنفسنا» (البغدادی، ۱۹۹۸م: ۲/ ۳۲۷)؛ «اگر بر ما به نیکی فرمان داده باشد، گردن تسلیم فرو نهیم، و اگر بغیر آن امر کرده باشد، خود را به هلاکت نیندازیم». و در بیت زیر به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود:

إِنْ يَكُنْ قَدْ سَاءَ كُمْ قُرْبَى فَيَكُنْ قَدْ سَاءَ كُمْ قُرْبَى

(جعفران، نقل از اصفهانی، بی‌تا: ۲۰/ ۲۰۷)

«اگر هم‌صحبتی من شما را خوش نیامده است، رهایم کنید» یا «اگر هم‌صحبتی من شما را آزرده است، رهایم کنید».

گاهی در ترکیب (مضارع «کان» + قد + فعل ماضی)، «قد» حذف می‌شود، مانند: «إِنْ يَكُنْ قَالَ خَيْرًا فَأَنَا أَهْلُهُ» (اصفهانی، بی‌تا: ۸/ ۴۱۴)؛ (اگر نیک گفته باشد / گفته است)، من شایسته آنم).

شایان ذکر است که در عربی معاصر حروف شرط در بسیاری از موارد به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ به طوری که مشاهده می‌شود در متون معاصر زبان عربی «إِذَا» به جای «إِنْ» به کار می‌رود و بر احتمال وقوع رخداد دلالت دارد، مانند: «إِذَا صَحَّتِ الرَّوَايَةُ التَّالِيَةَ - وَهِيَ صَحِيحَةٌ - نَكُونُ قَدْ زَرَعْنَا بِأَيْدِينَا بَذْرَةَ انْهِيَارِ ذَلِكَ الصَّرْحِ الْحَضَارِيِّ الْكَبِيرِ»؛ (اگر گزارش زیر صحیح باشد - که صحیح هم هست - با دست خویش، تخم نابودی و فرو ریزی این بنای بزرگ تمدن را کاشته‌ایم) (زرکوب، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

۱ - ۳ - شرط تحقق‌ناپذیر

شرط تحقق‌ناپذیر شرطی است محال و غیرواقعی که از نظر گوینده یا نویسنده قطعاً انجام نیافته یا انجام یافتن آن غیرممکن است. بدین ترتیب در این جمله‌های شرطی، امکان وقوع شرط مندرج در جمله‌واره پیرو به طور قطع و یقین و تحت هیچ گونه شرایطی وجود ندارد. به عبارت دیگر، تحقق‌پذیری شرط در عالم واقع غیرممکن است. این شرط بیشتر برای زمان گذشته است ولی برای حال یا آینده نیز به کار می‌رود، به همین دلیل آن را در زمان گذشته و حال یا آینده بررسی می‌کنیم:

۱ - ۳ - ۱ - زمان گذشته

در زبان فارسی هر گاه جمله شرطی بیانگر شرطی تحقق‌نیافته و غیرواقعی باشد، زمان دو فعل پایه و پیرو هر دو به صیغه ماضی استمراری یا ماضی بعید خواهد بود. البته اگر در جمله شرطی فعل پایه ماضی استمراری یا بعید باشد الزاماً فعل پیرو نیز ماضی استمراری یا بعید است، اما عکس آن صحیح نیست. بنابراین در جمله: «اگر کتاب‌ها را خریده بود، برایت می‌آورم» که فعل پایه مضارع اخباری است، شرط بر احتمال دلالت دارد نه امر محال (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۴: ۴۵).

با این وصف، زمانی که شرط بر امری محال و تحقق‌ناپذیر در زمان گذشته دلالت دارد، با توجه به فعل پایه و پیرو چهار نوع جمله شرطی به دست می‌آید:

فعل پیرو	مثال	فعل پایه	مثال
ماضی استمراری	«اگر با ما همکاری می‌کردی،	ماضی استمراری	موفق می‌شدیم».
ماضی بعید	«اگر با ما همکاری کرده بودی،	ماضی استمراری	موفق می‌شدیم».
ماضی استمراری	«اگر با ما همکاری می‌کردی،	ماضی بعید	موفق شده بودیم».
ماضی بعید	«اگر با ما همکاری کرده بودی،	ماضی بعید	موفق شده بودیم».

هر چهار صورت فوق می‌توانند برای زمان گذشته به کار روند و در این زمان اختلاف محسوسی با هم ندارند. بنابراین، به جای یکدیگر به کار می‌روند. با وجود این، کاربرد صورت اول و دوم بیشتر است (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۵). کاربرد فعل ماضی استمراری در این نوع شرط به این دلیل است که هم تحقق شرط و هم نتیجه آن فقط در عالم خیال وجود دارد و به دلیل متنی

شدن فعل شرط، جواب هم متغی است و مناسب‌ترین صیغه برای آرزوی گذشته در فارسی گونه استمراری است (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۶۴).

گاهی با وجود آنکه فعل پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است، جمله شرطی بر امر محال دلالت ندارد، بلکه بیانگر احتمال تحقق شرط است. در چنین جمله‌هایی فقط از روی معنی و قرینه و بافت سخن و چگونگی بیان گوینده می‌توان به تحقق یافتن یا نیافتن شرط پی برد. بنابراین، در عبارت «اگر با ما همکاری می‌کردی، موفق می‌شدیم» ممکن است منظور گوینده یا نویسنده این باشد: «اگر با ما همکاری کنی، موفق می‌شویم»، ولی برای تأکید بیشتر، و رساندن این مفهوم که توفیق ما در صورت همکاری شما قطعی است، فعل پایه و پیرو به صورت ماضی استمراری بیان شده است. همچنین عبارت «اگر می‌نشستی، کتاب می‌خواندیم» می‌تواند با توجه به قرینه و آهنگ و بافت کلام بدین معنی باشد: «اگر بنشین، کتاب می‌خوانیم» یا «بنشین تا کتاب بخوانیم». گاهی در جمله قید زمانی می‌آید که بر آینده دلالت دارد در این صورت جمله به وضوح احتمال تحقق شرط را می‌رساند، مانند: «اگر الآن می‌نشستی، کتاب می‌خواندیم» و «اگر فردا می‌آمدی، خوشحال می‌شدم». به این مطلب در قسمت «۱ - ۲ - ۲: الف» اشاره شد.

گاهی در زبان محاوره برای نشان دادن قطعیت وقوع جواب در صورت وقوع شرط به شناسه فعل پایه «ها» افزوده می‌شود: «اگر با ما همکاری می‌کردی، موفق می‌شدیم‌ها» و «اگر می‌نشستی، کتاب می‌خواندیم‌ها». پیش از این نیز گفته شد که در مورد فعل «بودن» و «داشتن» معمولاً به جای ماضی استمراری، ماضی مطلق به کار می‌رود. از نمونه‌های کاربرد این دو فعل در شرط تحقق‌ناپذیر می‌توان به این دو مورد اشاره کرد: «اگر عاقل بود، پند پدرش را شنیده بود» و «اگر من علاقه‌ای به سلامتی خودم داشتم، می‌بایستی به یک جست از آنها دور شده باشم» (صادق هدایت، نقل از شفایی، ۱۳۶۳: ۵۴۵).

البته گاهی برخی از نویسندگان، دو فعل مزبور را به صیغه ماضی استمراری به کار می‌برند، مانند: «اگر چنین قوه‌ای می‌داشتم که ... هیچ‌گونه اغتشاشی در کلاسم روی نمی‌داد» و «اگر ارنیه گمشده عهدهای دیرین در دست می‌بود، بی‌شک می‌شد تاریخ به هم پیوسته‌ای از شعر پارسی ترتیب داد» (شفایی، ۱۳۶۳: ۵۶۴).

در زبان عربی جمله‌های شرطی تحقق‌ناپذیر در زمان گذشته با حرف «لو» امتناعیه بیان می‌شود. «لو» حرف شرط غیرعاملی است که به زمان گذشته اختصاص دارد و غالباً بعد از آن فعل ماضی قرار می‌گیرد. اگر این حرف بر فعل مضارع وارد شود، معنی آن را به زمان ماضی تبدیل می‌کند، مانند: ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ (نحل ۱۶: ۶۱)؛ (و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می‌کرد، جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت).

حرف «لو» بیانگر این است که چون فعل شرط اتفاق نیفتاده، جواب شرط نیز به وقوع نپیوسته است. فعلی که در جواب «لو» واقع می‌شود باید از نظر لفظ و معنی و یا از نظر معنی (مانند فعل مضارع منفی به «لم») بر زمان گذشته دلالت کند. معمولاً اگر این فعل مثبت باشد، بر سر آن حرف «لام» درمی‌آید (ابن هشام، ۲۰۰۷م: ۲۶۴ - ۲۶۵). طبق قاعده نحوی «لو» حرف شرطی است که به افعال اختصاص دارد، ولی گاهی بعد از آن اسم قرار می‌گیرد، مانند: ﴿لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (زمر ۳۹: ۵۷).

با توجه به آنچه ذکر شد، فعلی که پس از حرف «لو» در جمله شرط و جواب شرط (= فعل پیرو و پایه) می‌آید، در یکی از صورت‌های زیر است:

فعل شرط	مثال	فعل جواب شرط	مثال
ماضی	﴿وَلَوْ شَاءَ﴾	ماضی (مثبت)	لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿ (نحل ۱۶: ۹)؛ (اگر می خواست، همگی شما را هدایت می کرد).
	﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ﴾	ماضی (منفی)	مَا فَعَلُوهُ ﴿ (انعام ۶: ۱۳۷)؛ (اگر خداوند می خواست، چنین نمی کردند).
مضارع	﴿لَوْ نَشَاءَ﴾	ماضی	جَعَلْنَا أَجَابًا ﴿ (واقعه ۵۶: ۷۰)؛ (اگر می خواستیم، آن را تلخ می گردانیدیم).
	﴿لَوْ نَشَاءَ﴾		لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا ﴿ (واقعه ۵۶: ۶۵)؛ (اگر می خواستیم، قطعا آن را خرد و ریز می ساختیم).
کان + مضارع	﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ﴾	ماضی	مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿ (سبا ۳۴: ۱۴)؛ (اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خفت بار نمی ماندند).

اگر در جمله شرط فعل بعد از حرف «لو» ماضی باشد (مانند نمونه اول و دوم)، بهتر است آن را معادل ماضی بعید در زبان فارسی دانست. ولی اگر فعل بعد از «لو» مضارع باشد (مانند نمونه سوم و چهارم)، بهتر است آن را معادل ماضی استمراری فارسی برشمرد. همچنین ترکیب («لو» + «کان» + فعل مضارع = نمونه اخیر) در زبان فارسی با فعل ماضی استمراری برابری می کند. فعلی که در جواب شرط آمده است، می تواند در زبان فارسی به دو صورت ماضی بعید و ماضی استمراری بیان شود. البته کاربرد ماضی استمراری - همان گونه که ذکر شد - بیش از ماضی بعید است.

ناگفته نماند که گاهی «اگر» تحقق ناپذیر معادل حرف «لولا» است، و آن زمانی است که بعد از «اگر» منفی فعل «بودن» قرار گیرد، مانند: «اگر دادگری نبود، ملت تباہ می شد» که در زبان عربی به این صورت بیان می شود: «لولا العدلُ لفسدت الرعية». «لولا» حرف امتناع لوجود (لوجوب) نیز نامیده می شود، بدین معنی که چون فعل شرط تحقق یافته، جواب شرط محقق نشده است. اگر حرف «لولا» مانند نمونه فوق بر شرط دلالت داشته باشد، بعد از آن فقط جمله اسمیه قرار می گیرد و البته قواعد مربوط به فعلی که بعد از «لولا» در جواب شرط می آید با قواعد حرف «لو» مشابه است. حرف «لوما» نیز همانند «لولا» است ولی کاربرد آن کمتر است.

۱ - ۳ - ۲ - زمان حال یا آینده

اگر جمله های شرطی بر محقق نشدن رخداد در زمان حال یا آینده دلالت داشته باشد، در دو قسمت مورد بحث و بررسی قرار می گیرد:

الف) جمله وارہ پیرو و پایه مربوط به حال یا آینده

اگر شرط تحقق ناپذیر مربوط به زمان حال یا آینده باشد، زمان فعل جمله وارہ های پایه و پیرو هر دو ماضی استمراری است. در این صورت جمله شرطی با شرط تحقق ناپذیر مورد قبل از نظر ساخت فعل پایه و پیرو مشابه است و فقط از روی معنی و قرینه و نیز کاربرد قیود زمان مناسب در جمله باید به زمان شرط پی برد، مانند: «اگر جوان می شدم، اشتباهات گذشته را تکرار نمی کردم»؛ یعنی اگر بر فرض محال، جوان شدن هم اکنون یا در آینده محقق می شد، دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نمی کردم. این عبارت که بر تحقق نیافتن فعل در زمان آینده دلالت دارد، از نظر ساختمان ظاهری همانند شرط تحقق ناپذیر در زمان گذشته است.

همچنین عبارت «اگر پول زیادی به دست می‌آوردم، کاخ بزرگی می‌ساختم»، ممکن است بر تحقق نیافتن شرط در زمان گذشته یا آینده دلالت داشته باشد و شنونده یا خواننده باید از چگونگی بیان سخن و آشنایی با سخنان پیشین و وجود قیود و ندها و ادوات تعجب و تحسر به زمان شرط پی برد.

باید به این نکته توجه کرد که ماضی استمراری در پیرو عبارت «اگر پول زیادی به دست می‌آوردم، کاخ بزرگی می‌ساختم» نوعی فعل التزامی است (انوری - گیوی، ۱۳۷۰: ۲/ ۵۲)؛ یعنی: «اگر پول زیادی به دست بیاورم، کاخ بزرگی می‌سازم» ولی همان‌گونه که قبلاً شرح داده شد اگر فعل مضارع التزامی باشد، بر احتمال وقوع فعل دلالت دارد.

اگر گوینده یا نویسنده در عبارت «اگر پول زیادی به دست می‌آوردم، کاخ بزرگی می‌ساختم»، احتمال می‌داد که به دست آوردن پول زیاد ممکن است تحقق پذیرد، عبارت فوق را بدین صورت به کار می‌برد: «اگر پول زیادی به دست آورم، کاخ بزرگی می‌سازم (/ خواهم ساخت)» یا «اگر پول زیادی به دست آوردم، کاخ بزرگی می‌سازم (/ خواهم ساخت)». در مورد این شرط در قسمت «۱ - ۲ - ۲» مورد الف، سخن به میان رفت.

همچنین عبارت «اگر هوا خوب بود، به گردش می‌رفتیم»، هم بر زمان گذشته و هم بر زمان آینده دلالت دارد و با توجه به بافت سخن و قیود موجود در کلام، زمان آن مشخص می‌شود. این عبارت غالباً برای رساندن معنی گذشته با قید زمان گذشته به کار می‌رود، مانند: «اگر دیروز هوا خوب بود، به گردش می‌رفتیم» که معادل عبارت «اگر هوا خوب بود، به گردش رفته بودیم» است، اما اگر بر زمان حال دلالت کند، بیانگر آن است که هوا خوب نیست و به همین روی گردش رفتن نیز منتفی است.

باید به این نکته اشاره کرد که وقتی فعل پایه و پیرو ماضی استمراری باشد، جمله‌ها علاوه بر زمان گذشته بر زمان حال یا آینده نیز دلالت دارند، ولی هر گاه در یکی از جمله‌واره‌ها ماضی بعید به کار رود، آن جمله‌واره همیشه معنی گذشته را می‌رساند. اگر فعل پایه ماضی بعید باشد، هر دو جمله‌واره مربوط به گذشته است، صرف نظر از اینکه فعل پیرو ماضی بعید یا ماضی استمراری باشد؛ زیرا معمولاً در عبارات شرطی، پیرو پیش از پایه قرار می‌گیرد (محتشمی، ۱۳۷۰: ۳۳۶ - ۳۳۷).

به نظر می‌رسد جمله‌هایی مانند: «اگر پشت گوشت را دیدی، فلان کس (یا چیز) را خواهی دید» و «اگر توانستی از ملک خدا بیرون روی، برو» که از نظر ساخت فعل پایه و پیرو شبیه جمله شرطی تحقق‌پذیر است، در این دسته از جمله‌های شرطی قرار می‌گیرد؛ زیرا بر معنایی محال دلالت دارد. لذا باید به این نکته توجه داشت که تحقق یافتن یا نیافتن مفهوم جمله فقط ناشی از زمان افعال آن، بدون در نظر گرفتن معنی فعل، بافت سخن و قراین موجود در کلام نیست.

در زبان عربی این نوع شرط با دو حرف «لو» و «إن» بیان می‌شود:

۱ - گاهی «لو» امتناعیه معادل حرف «اگر» است، مانند: ﴿لَوْ نَشَاءُ أَصْبَأَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ﴾ (اعراف ۷: ۱۰۰)؛ (اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهانشان می‌رساندیم) (فولادوند). در این آیه شریفه، شرط در زمان ماضی و حال منتفی شده است (ابن هشام، ۲۰۰۷م، ۲۵۷).

همچنین گاهی «اگر» با حرف شرط «لو» که متضمن معنی تمنی است برابری می‌شود، مانند: «لو أن لنا رجالاً أمثال صلاح‌الدین إذن لما ضاعت فلسطين»؛ (اگر ما جوانمردانی چون صلاح‌الدین داشتیم فلسطین از دست نمی‌رفت) (سامرائی، ۲۰۰۷م: ۴/ ۷۷).

ترجمه جملات فارسی زیر بر اساس مواردی که ذکر شد چنین خواهد بود:

الف - «اگر جوان می‌شدم، اشتباهات گذشته را تکرار نمی‌کردم»؛ «لو أصبحتُ شاباً لما كررتُ أخطائي السابقة».

ب - «اگر پول زیادی به دست می‌آوردم، کاخ بزرگی می‌ساختم»؛ «لو كسبتُ ثروةً وفيرةً لبنيتُ صرحاً شامخاً».

ج - «اگر (الآن) هوا خوب بود، به گردش می‌رفتیم»؛ «لو كان الطقس جيداً الآن لتزهننا».

۲ - حرف شرط «إن» علاوه بر احتمال وقوع رخداد در زمان آینده، بر اموری که تحقق آن در زمان آینده محال و غیرممکن است نیز دلالت دارد، مانند: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَكْدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ﴾ (زخرف ۴۳: ۸۱)؛ (اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، من

خود نخستین پرستندگان بودم) و نیز مانند: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ تَتَّقُوا مِنْ أَفْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْقُذُوا﴾ (الرحمن ۵۵: ۳۳)؛ (ای گروه جنیان و انسبان! اگر توانستید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید، رخنه کنید). بنابراین، گاهی «اگر» در شرط‌هایی که حاکی از تحقق نیافتن رخداد در زمان آینده است، با حرف «إن» برابری می‌شود. بر این اساس، عبارت «اگر توانستی از ملک خدا بیرون روی، برو» چنین خواهد بود: «إن استطعت فاخرج من ملك الله».

ب) جمله‌واره پیرو مربوط به گذشته، و پایه مربوط به حال یا آینده

اگر جمله‌واره پیرو مربوط به گذشته، و جمله‌واره پایه مربوط به آینده باشد، فعل پیرو می‌تواند ماضی استمراری یا ماضی بعید باشد ولی فعل پایه باید همیشه ماضی استمراری باشد. این مورد را فقط با کاربرد قید زمان مناسب یا از بافت کلام می‌توان از مورد «۱ - ۳ - ۱» تشخیص داد، مانند: «اگر (قبلاً) زحمت کشیده بودی، (الآن/ در آینده) نتیجه آن را می‌دیدی» یا «اگر (قبلاً) زحمت می‌کشیدی، (الآن/ در آینده) نتیجه آن را می‌دیدی».

این شرط نیز در زبان عربی با «لو» امتناعیه بیان می‌شود، از نظر نحویان «لو» نشان‌دهنده تحقق نیافتن شرط در زمان گذشته است (حسن، ۱۴۲۵هـ: ۴/ ۴۵۹)، ولی با وجود این، به نظر می‌رسد که در برخی از نمونه‌های کاربرد «لو»، می‌توان در جواب شرط زمان حال و آینده را در کنار گذشته در نظر گرفت، مانند: ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران ۳: ۱۵۹)؛ (اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند).

شایان ذکر است که افعال عربی از سه صورت ماضی، مضارع و امر خارج نیست، ولی در زبان فارسی، فعل ماضی و مضارع خود اقسامی دارد که عبارت‌اند از: ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی نقلی استمراری، ماضی بعید، ماضی ابعده، ماضی التزامی، ماضی ملموس، مضارع اخباری، مضارع التزامی و مضارع ملموس. بنابراین، انواع فعل در جمله‌های شرطی به موارد مذکور در این نوشتار محدود نمی‌شود، بلکه در این مقاله سعی شده است به برخی از انواع مشهور و پرکاربرد فعل در جمله‌های شرطی اشاره شود. البته معنی و معادل معنایی برخی از انواع فعل در زبان فارسی تفاوت چندانی با موارد مذکور ندارد، مثلاً معادل معنایی ماضی نقلی استمراری («می» + ماضی نقلی)، در زبان عربی همانند ماضی نقلی، و ماضی ابعده (صفت مفعولی + ماضی نقلی «بودن»)، همانند ماضی بعید است.

نتیجه

در پژوهش حاضر به بررسی حرف شرط «اگر» و انواع ترکیب‌های شرطی آن در زبان فارسی پرداخته شد. در این راستا جمله‌های شرطی با حرف شرط «اگر» در سه دسته محقق‌الوقوع، تحقق‌پذیر و تحقق‌ناپذیر بررسی و حروف شرطی که در زبان عربی می‌تواند معادل «اگر» قرار گیرد، ارائه شد. مهم‌ترین دستاوردهای این نوشتار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ - شرطی‌های محقق‌الوقوع فارسی که بر تحقق حتمی رخداد دلالت دارد در زمان گذشته معمولاً با فعل پایه و پیرو ماضی استمراری بیان می‌شود. در این صورت، «اگر» در زبان عربی معادل «کَلِمَا» و «إِذَا» قرار می‌گیرد. شرطی محقق‌الوقوع در زمان حال یا آینده با فعل پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی یا اخباری ذکر می‌شود که در زبان عربی با «إِذَا» و گاهی «إِنْ» و فعل شرط ماضی یا مضارع برابر است.

۲ - شرطی‌های تحقق‌پذیر فارسی در زمان گذشته معمولاً با فعل پیرو ماضی التزامی یا ماضی نقلی بیان می‌شود و در عربی با حرف «إِنْ» و فعل شرط («کَانَ» + فعل ماضی) همراه است. این شرط در زمان حال یا آینده غالباً با افعال پیرو ماضی مطلق، مضارع التزامی و اخباری همراه است که معادل آن در عربی حرف «إِنْ» با فعل شرط ماضی، مضارع یا ترکیب («کَانَ» + فعل مضارع) است. گاهی فعل پیرو ماضی التزامی، ماضی نقلی و ماضی بعید است اما شرط با توجه به فعل پایه، بر زمان حال یا آینده

دلالت دارد. در این صورت، «اگر» در زبان عربی معادل «إن» است و فعل شرط ترکیبی از «(کان» + فعل ماضی) یا «مضارع» «کان» + «قد» + فعل ماضی) خواهد بود، هر چند گاهی «قد» نیز حذف می‌شود.

۳- شرطی‌های تحقق‌ناپذیر در زمان گذشته با افعال ماضی استمراری و ماضی بعید بیان می‌شود. در این صورت، «اگر» در زبان عربی معادل «لو» امتناعیه است. اما شرط تحقق‌ناپذیر در زمان حال یا آینده می‌تواند بسته به معنی متن با افعال مختلفی ذکر شود و غالباً در زبان عربی با حرف شرط «لو» و گاهی «إن» برابری می‌شود.

بنابر آنچه ذکر شد حرف شرط «اگر» بسته به تحقق یافتن یا نیافتن شرط، در زبان عربی با حروف «إن»، «إِذَا»، «كَلَمًا»، «لو»، «لولا» و «لوما» برابری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- جمله‌واره پیرو یا وابسته آنست که در آغاز یا وسط آن، یکی از حروف ربط و گروه‌های ربطی وابستگی باشد. پس از برداشتن جمله‌واره پیرو آنچه از سخن باقی می‌ماند، جمله‌واره پایه است. جمله‌واره پیرو، وابسته به جمله‌واره پایه و از نظر معنایی در حکم یکی از کلمات یا گروه‌های داخل جمله مرکب همبسته یا جمله‌واره پایه است (فرشیدورد، الف ۱۳۸۸: ۱۲۰).

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن هشام، جمال‌الدین عبدالله بن یوسف (۲۰۰۷م). *مغنی‌اللیب عن کتب‌الأعاریب*. حقه وعلق علیه‌الدکتور مازن‌المبارک، ومحمد علی حمدالله. بیروت: دارالفکر.
۳. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. اصفهانی، ابوالفرج (بی‌تا). *الأغانی*. تحقیق: سمیر جابر. ط ۲. ج ۲۴. بیروت: دارالفکر.
۵. انوری، حسن؛ و حسن احمدی گیوی. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. ج ۲. ج ۶. تهران: فاطمی.
۶. برجستراسر (۱۹۹۴م). *التطور النحوی للغة العربیة*. أخرجه و صححه و علق علیه‌الدکتور رمضان عبدالنواب. ط ۲. قاهرة: مکتبة‌الخانجی.
۷. البغدادی، عبدالقادر بن عمر (۱۹۹۸م). *خزانة‌الأدب و لب لباب لسان‌العرب*. تحقیق: محمد نبیل طریفی وامیل بدیع‌البعقوب. ج ۱۳. بیروت: دارالکتب‌العلمیة.
۸. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۱). *دیوان حافظ*. تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: انتشارات اقبال.
۹. حسن، عباس (۱۴۲۵هـ). *النحوالوافی*. ج ۷. ج ۷. تهران: ناصرخسرو.
۱۰. خانلری، پرویز ناتل (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. ج ۱۲. تهران: توس.
۱۱. خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی (کتاب حروف اضافه و ربط)*. ج ۲. تهران: سعدی.
۱۲. رحیمیان، جلال؛ و عطاالله سنچولی (۱۳۹۰). «تأثیر جنبه‌های صوری، نحوی و معنایی فعل بند پایه بر محتوای معنایی بند پیرو». *نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ۳۰: ۱۴۷ - ۱۶۹.
۱۳. زرکوب، منصوره (۱۳۷۸). *روش نوین فن ترجمه (فارسی - عربی، عربی - فارسی)*. ج ۳. اصفهان: مانی.
۱۴. سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۷م). *معانی‌النحو*. بیروت: دار إحياء‌التراث‌العربی.

۱۵. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۹). بوستان سعدی. تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. چ ۴. تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۶. _____ (۱۳۷۳). کلیات سعدی. تصحیح: محمد علی فروغی. چ ۲. تهران: انتشارات نگاه.
۱۷. شریعت، محمد جواد (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. چ ۷. تهران: اساطیر.
۱۸. شفائی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین.
۱۹. عمایره، اسماعیل أحمد؛ و عبدالحمید مصطفی السید (۱۹۹۸م). معجم الأدوات والضمایر فی القرآن الکریم. ط ۴. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۰. عنتره بن شداد (۱۸۹۳م). دیوان عنتره. بیروت: مطبعة الآداب.
۲۱. فرشیدورد، خسرو (الف ۱۳۸۸). دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
۲۲. _____ (ب ۱۳۸۸). دستور مفصل امروز. چ ۳. تهران: سخن.
۲۳. قریب، عبدالعظیم؛ جلال همایی؛ رشید یاسمی؛ ملک‌الشعراى بهار؛ بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۶۶). دستور زبان فارسی (پنج استاد). چ ۳. تهران: اشراقی.
۲۴. قلیزاده، حیدر (۱۳۸۰). مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم. تبریز: مؤسسه تبلیغاتی علوم اسلامی.
۲۵. کریری، ناصر بن محمد بن ناصر (۲۰۰۴م). أسلوب الشرط بین النحویین و الأصولیین. ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۲۶. لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه: مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
۲۷. مقربی، مصطفی (۱۳۷۵). هژده گفتار (مجموعه مقالات). تهران: توس.
۲۸. محتشمی، بهمن (۱۳۷۰). دستور کامل زبان فارسی. تهران: اشراقی.
۲۹. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۴). «جمله‌های شرطی در زبان فارسی». زبان‌شناسی ۲: ۴۳ - ۵۶.